



سال هفتم / بهار ۱۳۹۷

بررسی ابعاد حضور زنان در اجتماع و راهکارهای رسیدن به فرهنگ مطلوب: (مطالعه‌ای با رویکرد مهندسی فرهنگی)

- مهسا لاریجانی^۱
- اکرم علیمردانی^۲
- طاهره نوری^۳

چکیده

امروزه حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و عمومی به واسطه نوگرایی روز به روز افزون‌تر شده است؛ این مقاله با رویکرد مهندسی فرهنگی، حضور زنان در اجتماع را، مورد مذاقه قرار می‌دهد و با اشاره به نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های اجتماعی زنان، به راهکارهای رسیدن به فرهنگ هدف می‌پردازد. این پژوهش از نوع توصیفی است که با استفاده از روش کیفی و تکنیک‌های مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای سخنرانی‌های میزگردی^۴ با عنوان مهندسی فرهنگی حضور زنان در اجتماع بدست آمده است.

یافته‌های بدست آمده نشان می‌دهد که در سطح وضعیت موجود نقاط قوت حضور زنان شامل افزایش تحصیلات، افزایش فعالیت‌های علمی، اقتصادی و کارآفرینی؛ نقاط ضعف شامل افزایش اقتضانات نقشی چندگانه، مصرف‌گرایی، تعارض‌های ارزشی و نگرشی، فرصت‌ها شامل توجه به نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی در قانون اساسی و سخنان مقام معظم رهبری و در نهایت تهدیدات شامل بحران هویت زنان، حاکمیت نگرش مردسالار در جامعه، انحرافات زنان و مسئله اشتغال آنها است.

^۱ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا m.larjani@Alzahra.ac.ir

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه امین ak.alimardani2014@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری مشاوره و مدرس دانشگاه علوم انتظامی امین nori.1363@gmail.com

^۴ این مقاله برگرفته از میزگردی است که در دانشگاه علوم انتظامی امین انجام شده است.

راهکارهای رسیدن به فرهنگ هدف شامل توجه به تغییرات موجود در جامعه، سیاستگذاری مورد وفاق، تعامل نهادهای مختلف، عدم خنثی سازی فعالیتها و نظارت دولت می‌باشد.

واژگان کلیدی: مهندسی فرهنگی، حضور زنان در اجتماع، فرهنگ آرمانی، فرهنگ موجود، فرهنگ

هدف

بیان مسئله

فرهنگ نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانش است که به طور گسترده‌ای در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۱)؛ به عبارت دیگر فرهنگ، نظامی است متشکل از باورهای بنیادین، ارزش‌ها و هنجارها که هم با تغییر باورها، فرهنگ تغییر می‌کند و هم رفتارهای جامعه، باورها را تغییر می‌دهد و موجب تغییرات فرهنگی می‌شود.

در سالهای اخیر، موضوع مهندسی فرهنگی، از مباحثی است که در کانون توجه اندیشمندان ایرانی قرار گرفته است. واژه مهندسی، مفهومی ریاضی را در ذهن تداعی می‌کند که وظیفه آن دخل و تصرف در مواد و نیروهای طبیعت است اما مهندسی فرهنگ علاوه بر بعد عینی فرهنگ، ماهیت ذهنی آن، که شکل دهنده اندیشه و رفتار است را مورد مطالعه قرار می‌دهد و با شناخت الگوهای تحول فرهنگ، برای مدیریت و ساماندهی آن در راستای رسیدن به نظم اجتماعی تلاش می‌کند. در واقع مهندسی فرهنگی به معنای تعیین فرهنگ آرمانی، شناخت فرهنگ موجود و ضعفها و قوت‌های آن و تعیین فرهنگ هدف براساس شرایط و مقتضیات محلی است (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۰: ۹۸).

مقام معظم رهبری نیز در این باره فرموده‌اند "یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول" مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و صیوررت بخش و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسانها و جامعه بوجود می‌آید، چگونه باید باشد؟ اشکالات و نواقصش چیست؟ و چگونه باید رفع شود و کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳)

ایشان مهندسی فرهنگی را باز طراحی، اصلاح و ارتقای شئون و مناسبات نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور مبتنی بر فرهنگ مهندسی شده معرفی و این وظیفه و مأموریت خطیر را به شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرار گاه اصلی فرهنگی و مرکز مهندسی فرهنگی کشور محول می‌فرمایند (نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۲: ۹).

براین اساس، نقشه مهندسی کشور در هفت فصل تنظیم گردید که شامل کلیات، مبانی و ارزشهای حاکم بر نقشه، چشم انداز فرهنگی کشور در افق ۱۴۰۴، اهداف کلان فرهنگی، اولویتهای فرهنگی، راهبردها و اقدامات و درنه نهایت چارچوب نهادی نظام فرهنگی کشور است (ن.ک نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳).

اما آنچه از نقشه مهندسی فرهنگی کشور به بحث ما مربوط است، موضوعات مطرح شده در فصل راهبردها و اقدامات، با عنوان "تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن سازی خانواده" است، که به نقش آفرینی و حضور زنان در جامعه، مطالبات حقوقی، خانواده و فرزندآوری آنان پرداخته است؛ به عنوان مثال در بند ۲۳ اقدامات ملی این راهبرد این چنین آمده است:

"توسعه و ترویج الگوهای متنوع و منعطف مشارکت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان و بازنگری سیاستها، قوانین، برنامه‌ها و الگوهای اشتغال زنان با تأکید بر تأمین نیازهای جامعه و متناسب سازی آنها با نقشهای اساسی مادری، همسری و خانوادگی و صیانت از منزلت و کرامت زن در چارچوب فرهنگ اسلامی- ایرانی" (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲: ۵۹).

ضرورت چنین رویکردی در حوزه زنان و خانواده از آنجایی است که امروزه در نوع نگرش زنان نسبت به اشتغال، خانواده، فرزند آوری و به طور کلی نقشهای سنتی و مدرن تغییر ایجاد شده است و در واقع این شرایط با دگرگونیهای تدریجی خرد و کلان شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی ناشی از روبرویی نظام اجتماعی ایران با جریان مدرنیته بوجود آمده است. از طرف دیگر در روند جهانی آموزش، نرخ سواد و آموزش زنان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بهبود یافته است و شکاف میان زنان و مردان در خصوص سطح سواد کاهش یافته است. نرخ با سواد در کشورهای توسعه یافته در میان زنان ۷۵٫۹ و در میان مردان ۸۹ درصد گزارش شده است، بدیهی است این درصد برای زنان جوان بیشتر بوده و حدود ۸۵ درصد است (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). در این میان، برخی معتقدند که زنان امروز جامعه ایرانی از زن آرمانی در اندیشه اسلامی فاصله گرفته اند و یا اینکه با تکیه بر نگرشهای غربی و فمینیستی معتقدند که زنان امروزی زنان آرمانی محسوب می‌شوند؛ لذا مسئله اصلی این است که تعاریف مشخصی در خصوص الگوی حضور زنان در اجتماع وجود ندارد.

از طرف دیگر ضروری است که بواسطه تعدد و تشتت آرا و نگرشهای مختلف در خصوص حضور زنان در اجتماع، فعالیتهای اجتماعی آنان، به بحث مهندسی فرهنگی پرداخت؛ اگرچه، در نقشه مهندسی فرهنگی، به فرهنگی آرمانی پرداخته است که تحقق آنها می‌تواند الگوی ایده آل حضور

زنان در جامعه را محقق سازد. اما مسئله این است که در پیاده سازی این اهداف با چه مشکلات اعم از کلان و خرد مواجه هستیم؛ در حال حاضر، از یک سو با نیمی از جمعیت جامعه یعنی زنان مواجه هستیم که استفاده نکردن از نیرو و استعداد بالقوه آنان - که با افزایش ورود به فضای آکادمیک و تحصیل به صورت بالفعل درآمده است - هزینه‌های زیادی را به دولت و خانواده‌ها تحمیل می‌سازیم و از طرف دیگر براین امر اذعان داریم که یکی از بسترهای توسعه در جوامع، افزایش تحصیلات زنان در جامعه و استفاده از ظرفیت‌های زنانی است که می‌توانند در آینده جامعه نقش ایفا کنند. اما در حال حاضر با اختلال نقشی زنان در جامعه و افراط و تفریط در حوزه کار و خانواده زنان مواجه هستیم (گزارش وضعیت اجتماعی ایران، ۱۳۹۰: ۴۳۸).

بنابراین از آنجایی که، ساز و کارها، سیاست‌ها و نظام‌هایی که برای ایجاد جامعه پیش‌بینی شده، ممکن است کهنه شود و کارآیی خود را از دست بدهد، باید در جهت نوکردن آنها گام برداشت؛ اما هرگونه تغییر و نوسازی در سیاست‌ها، باید جامع و همه‌جانبه و متکی بر اصول اسلامی باشد و این نوسازی به هیچ وجه به معنای تجدید نظر در آرمانها نیست، بلکه به معنای تغییر در سیاست‌ها و تدابیری است که این مسئله می‌تواند مانع از تحجر شود و با تکیه بر آرمانها، نظام اسلامی را همیشه جوان، شاداب، بالنده و پیشرو نگه دارد. لذا با اجرای این سند مسلماً فرهنگ عمومی کشور نیز دچار تحول بر مبنای اصول اسلامی خواهد شد (خزعلی، ۱۳۹۲) زیرا این موارد در اهداف نقشه مهندسی فرهنگی که سندی راهبردی برای توسعه کشور است، گنجانده شده است که شامل مواردی همچون بستر سازی و توسعه ظرفیت‌های فرهنگی و هدایت تحولات ارزشی و فرهنگی، مقابله آگاهانه و برنامه ریزی شده با تهاجم فرهنگی است (نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۲).

بنابراین، با توجه به روند نوگرایی در جوامع امروزی و تغییر خصلت بنیادین خانواده سنتی و از طرف دیگر دگرگونی‌های اساسی در نقش‌های والدین، همسری و زنان، نادیده گرفتن حضور زنان در جامعه غیرممکن است؛ بنابراین بهترین راه این است که زمینه حضور زنان را در اجتماع فراهم کنیم. آسیب‌ها را شناسایی کنیم و از تهدیداتی که می‌تواند در آینده علیه آنان و یا از سوی آنان در جامعه ایجاد شود، جلوگیری کنیم.

در این مقاله الگوی اصلی مهندسی فرهنگی حضور زنان در اجتماع که شامل: فرهنگ آرمانی که با توجه به بهره‌گیری از کتاب و سنت و توسط فرهنگ‌شناسان و اسلام‌شناسان شناخته می‌شود و فرهنگ موجود که شامل نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدات تجربه زیسته زنان در

دنیای امروز است و در نهایت به راهکارهای تحقق الگوی مطلوب حضور زنان می‌پردازیم، که برای انتقال از فرهنگ موجود به فرهنگ آرمانی می‌توان از آنها بهره برد. و تلاش می‌کنیم تا به سئوالات زیر پاسخ دهیم:

- ۱- در فرهنگ آرمانی نقش آفرینی زنان در جامعه چگونه است؟
- ۲- وضعیت موجود حضور زنان در جامعه (نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدات) چیست؟
- ۳- راهکارهای تحقق الگوی مطلوب حضور زنان در اجتماع چیست؟

روش تحقیق

این مقاله از نوع مقالات توصیفی است که اطلاعات آن با استفاده از روش تحقیق کیفی و تکنیک تحلیل محتوای کیفی و مطالعات کتابخانه‌ای بدست آمده است. تحلیل محتوای کیفی شامل یک فرایند طراحی شده برای متمرکز کردن داده‌های خام به سمت موضوعات و طبقه بندی‌هایی است که براساس استنباط و تفسیر معتبر می‌باشد. واحد تحلیل، گزاره‌های مستخرج از میزگردی است که با عنوان مهندسی فرهنگی حضور زنان در اجتماع در دانشگاه امین برگزار شده است. شرکت کنندگان در این میزگرد سه نفر از اساتید دانشگاه‌های تهران، دانشگاه خوارزمی و دانشگاه امین بوده اند که در حوزه زنان و مهندسی فرهنگی پژوهش‌های متعددی انجام داده اند و اطلاعات جامعی در خصوص مسائل زنان و همچنین مهندسی فرهنگی داشته اند. نظران متخصصین پس از پیاده سازی، مقوله بندی شد و در ذیل هر مقوله از نقل قولها و استنادات پژوهشی استفاده شد تا با این روش به افزایش اعتبار یافته‌ها پردازیم.

ادبیات تحقیق

با توجه به اینکه در پژوهش‌های کیفی محقق قصد شناخت واقعیت را دارد، تا به توضیح و تفسیر آن بپردازد، الزامی برای اتخاذ نظریه‌ای خاص به عنوان چارچوب نظری وجود ندارد، اگرچه در سراسر کار و پس از جمع آوری اطلاعات، از نظریات موجود برای تجزیه و تحلیل نتایج استفاده می‌کند. در ادامه به دیدگاه‌هایی می‌پردازیم که در تجزیه و تحلیل اطلاعات مرجع استناد و پشتوانه تحقیق قرار می‌گیرند.

دیدگاه کارکرد گرایی: کارکردگرایی همچون پارسونز معتقدند که کارکرد زنان در جامعه به امور خانه محدود می‌شود. آنها معتقدند که زنان ایفاگر نقش عاطفی در خانه هستند و مردان نان آور

خانواده هستند؛ اگر این وظیفه به درستی انجام نشود کل جامعه با اختلال مواجه می‌شود. " پس اعطای فرصتهای برابر برای هر دو جنس با انسجام مثبت خانواده ناسازگار است" (نقل از بنی فاطمه و مهبد، ۱۳۸۹: ۳۳) طبق نظر پارسونز خانواده دارای دو کارکرد اساسی است؛ یکی کارکرد اجتماعی کردن کودک، بدین سان که بتواند به عضویت جامعه‌ای که در آن به دنیا آمده درآید و دیگری تثبیت شخصیت افرادی که بتوانند به صورت افراد بزرگسال در جامعه ایفای نقش کنند. با توجه به اهمیت مادر در مساله اجتماعی شدن کودک، در صورت اشتغال او به کارهای خارج از خانه، می‌تواند پیوند روانی و عاطفی اعضای خانواده را از هم بگسلاند و آثار و عوارض سوپی را به دنبال آورد (ادیبی، ۱۳۵۹: ۵۹).

دیدگاه تعاملی دیالکتیکی: براساس این دیدگاه "پدیده‌های اجتماعی پدیده‌هایی متصلب و لایتغیر نیستند، بلکه حاصل ترکیبی از ذهنیت، معنا و غایت بوده و همواره در حال تغییر و شدن هستند. پدیده‌های اجتماعی بر یکدیگر اثر گذاشته و یکدیگر را محدود و مشروط می‌کنند. از این رو عنصر زمان در ساحت‌های گذشته، حال و آینده در پدیده‌های اجتماعی اثر گذاشته و یکدیگر را محدود و مشروط می‌کنند. رابطه دیالکتیک عمل و ذهن در دو واقعیت می‌تواند تجلی یابد: یکی در افراد و دیگری در جوامع. بروز این دیالکتیک نیز ساختمانند و پایدار است (لبیبی، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

دیدگاه‌های فمینیستی: تمامی فمینیست‌ها اعم از لیبرال موج اول تا فمینیست‌های مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال در موج دوم بر این نکته اتفاق نظر دارند که تبعیض جنسیتی در مورد زنان محکوم است و ریشه‌های آن را در پندارهای مردسالارانه جوامع سنتی می‌دانند. فمینیست‌های لیبرال برای مدت مدیدی بر فردیت زنان به عنوان تنها معضل اجتماعی لاینحل تأکید می‌کردند و از نابرابری نقش زنان در خانواده و تولید مثل و باز تولید بین‌نسلی غافل مانده بودند. جامعه‌شناسی فمینیستی نیز با برتری مردان که نابرابری زنان را نهادینه می‌سازد مخالفت و مقابله می‌کند و مشخصه بارز فمینیسم این نظر است که فرودستی زنان باید مورد تردید و اعتراض قرار گیرد (نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۸۱).

فمینیست‌ها معتقدند که کلیشه‌های جنستی (تصورات قالبی رفتار) مانع مهمی در حضور زنان در جامعه به شمار می‌آید. به عقیده وشستاگون^۱ کلیشه به معنای "گرایش به یکنواختی و یکسان‌سازی، یعنی حذف خصوصیات فردی و تفاوت‌ها و روحیه انتقادی در مباحثه و ابزار عقیده"

^۱ Veshtaskon

است. نادرستی کلیشه از آن جهت است که بدون هیچ مبنای علمی و با استناد به یک تفاوت کاذب طبیعی خصوصياتی را به گروهی نسبت می‌دهد. (میشل^۱، ۱۳۷۶: ۲۲ نقل از تقوی و سلطانی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

فمینیست‌های لیبرال بر این نظر اذعان دارند که تفاوت‌های مشاهده شده میان زنان و مردان ذاتی نیست؛ بلکه جامعه پذیری افراد و نحوه تربیت آنهاست که تلاش می‌کند نقش‌های اجتماعی و خصوصیات رفتاری متفاوت به آنها نسبت دهد و آن را درون افراد نهادینه سازد (لاریجانی، ۱۳۸۹) و از مردان و زنان انتظار می‌رود پس از ازدواج نقش‌های ویژه‌ای بپذیرند که وظایف مربوط به آن نقش‌ها برپایه کلیشه‌های جنسیتی تعیین شده و جامعه نیز آن را حمایت می‌کند (اسپیکرمن^۲، ۱۹۹۷: نقل از لیبیبی، ۱۳۹۳: ۲۵۱).

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

مطالعه‌ای بر ادبیات مرتبط با موضوع نشان می‌دهد که اگر چه در خصوص مسائل زنان از جمله طلاق، اشتغال، خشونت‌های خانگی و ... پژوهش‌های متعددی وجود دارد اما در حوزه مهندسی فرهنگی حضور زنان در اجتماع، پژوهشی دیده نشده است و ادبیات پژوهشی در این حوزه بسیار محدود است. براین اساس در ادامه به پژوهش‌هایی می‌پردازیم که به نظر می‌رسد در حوزه مهندسی فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به زنان راهگشا باشد.

اعرابی (۱۳۸۰) در پژوهش خود نشان داد که به انجام رسانیدن مسئولیت عظیم و سترگ به خصوص در امر تربیت فرزندان از سویی و مسئله مشارکت زنان در صحنه‌های مختلف اجتماعی از سوی دیگر، دو بحث غیر قابل انکار هستند. اینکه چگونه می‌توان این دو مسئولیت را در کنار هم انجام داد به طوری که با انجام یکی به دیگری آسیبی وارد نشود و به نحو شایسته‌ای هر دو امر خانه‌داری و مشارکت صورت پذیرد، مساله مهمی است که باید با ظرافت و دقت تمام در مورد آن اندیشید و به یک الگوی مناسب و عملی دست یافت (نقل از عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

آذربایجانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "اسلام و اشتغال زنان" بیان می‌کند که حق اشتغال زنان در پیشه‌های مشروع، ثابت شده و الگوی درست اشتغال از دیدگاه اسلام، الگویی است که با در نظر داشتن فرصت‌های شغلی و جنسیت، اهمیت خانه داری در اقتصاد، برتر دانستن اشتغال

^۱ Mishel

^۲ Spykermann

نیمه وقت، حفظ حریم زنان شاغل در محیط کار و تسهیلات لازم برای آنان، حمایت از مشاغل روستایی و توجه همه جانبه به ارزشهای تنظیم شده باشد.

البرزی و خیر (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "راهکارهای اجرایی حضور زنان در برنامه ریزی‌های کلان کشور" نشان دادند که فرهنگ سازی مناسب برای تغییر نگرش مثبت نسبت به زنان، ارزش دادن به توانمندیهای زنان، تجدید نظر در قوانین و واگذاری تدریجی مسئولیتهای، می‌تواند راهگشای مشکلات مدیریت زنان باشد. فرصتهای زندگی زنان سرآمد را می‌توان، در سه مقوله اصلی خود توانمند سازی (شامل ویژگی خودتکالیبی، تلاش و کوشش، تعهد کاری، تشخیص موقعیت، مهارت-های ارتباطی، برنامه ریزی و مدیریت و ویژگی پایداری) حمایت شدن (ویژگی حمایت خانواده، حمایت همسر و حمایت دیگران) و تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی (ویژگی تحول در جامعه بشری و ویژگی تحول در جامعه ایرانی خلاصه کرد) (البرزی و خیر، ۱۳۸۷).

کبری خزعلی (۱۳۹۲) رییس شورای فرهنگی اجتماعی زنان در گفتگوی خبری با عنوان "نگاهی متعادل در خصوص زنان از ضرورت‌های سند مهندسی فرهنگی" درخصوص راهبردها و اقدامات مربوط به سیاست‌های مرتبط با زنان در نقشه مهندسی فرهنگی کشور و راهبردهای ملی این سیاست‌ها سخن گفت و معتقد بود که توجه ویژه به حوزه مسائل زنان و خانواده در این سند به دلیل ضرورت دوری از افراط و تفریط‌هایی است که در دنیای امروز در سطوح داخلی و بین‌المللی بیش از همه اقرار؛ نسبت به حقوق زنان روا داشته می‌شود. لزوم نگاهی متعادل در باب حقوق و تکالیف زنان به همراه همه جانبه‌نگری در سیاست‌گذاری فرهنگی امور بانوان و خانواده از ضرورت‌های این سند در حوزه زنان می‌باشد؛ که در این زمینه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده نیز پیشنهادهای در راستای تدوین سند مهندسی فرهنگی در حوزه زنان ارائه داده است نظیر: احیای کرامت ذاتی، هویت‌بخشی و زمینه‌سازی رشد و تعالی زن در تمامی ابعاد و مبارزه با رویکرد ابزاری به زن، تکریم و نهادینه‌سازی ترویج نقش همسری، مادری و تربیتی زن در خانواده همراه با حضور اجتماعی متناسب با شأن ایشان، متناسب‌سازی، سیاست گذاری ها، برنامه ریزی‌ها و اقدامات دستگاه‌ها با وظایف و نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان، نقد فعال جایگاه و وضعیت زنان و جریان‌های فمینیستی در غرب و پاسخگویی مؤثر به شبهات در سطوح ملی و فراملی و ارائه راهکار بر مبنای آموزه‌های اسلامی است.

در سطح بین‌المللی نیز فعالیتهایی در خصوص مسائل زنان انجام گرفته است؛ از آن جمله: دهه ۱۹۷۵-۱۹۸۵ از سوی سازمان ملل متحد دهه بین‌المللی زن نامگذاری شد و به دنبال آن در

سال ۱۹۸۷ شناخت زنان در توسعه WID در برنامه عمرانی سازمان ملل متحد تأسیس شد و برای پیشرفت زنان در نوامبر ۱۹۸۹ برگزار شد. در این گردهمایی مهمترین مسائل مطرح شده عبارت بودند از ارزیابی دقیق میزان مشارکت زنان در نیروی کار، شامل مشاغل بدون دستمزد و بدون مزایای استخدامی، ارزیابی نیروی کار مصرفی جهت انجام امور خانه یا فعالیت‌های مشابه و غیر متشکل و تعیین بازده آنها که آمارها و شاخص‌های جهت انجام بررسی‌های بدست آمده و نیز کنفرانس نایروبی و استراتژی‌های آینده آن برای پیشرفت زنان در سال ۱۹۸۵ اتخاذ شد (بنی فاطمه و مهید، ۱۳۸۹: ۳۲).

تحلیل یافته‌ها

در این بخش با استفاده از مقوله بندی یافته‌های حاصل از نظرات متخصصین به سئوالات تحقیق که شامل فرهنگ آرمانی، وضعیت موجود و هدف می‌باشد؛ پاسخ خواهیم داد.

۱- فرهنگ آرمانی

۱-۱- آرمانها و الگوی اسلامی حضور زنان در اجتماع

یکی از گام‌های اساسی در حوزه مهندسی فرهنگی، ارجاع به ارزشها و اصول حاکم بر کشور ایران، خصوصاً دیدگاه‌های اسلامی است تا با شناسایی دقیق آرمانها، در اولویت بندی اهداف از آن استفاده کرد. لذا اولین سؤال این پژوهش مربوط به اندیشه آرمانی نقش آفرینی زنان در جامعه است، اینکه ارزش‌های بنیادین اسلام در خصوص فعالیتهای اجتماعی زنان چیست؛

در شرایط کنونی لازم است تا با پاسخگویی به این موارد الگویی صحیح و شایسته برای زنان ایرانی تعریف شود. الگویی که مبنای اصلی آن بر پایه آموزه‌های دینی ما بنا شده است. آموزه‌هایی که بر پایه عدالت و سعادت بشری رقم خورده اند. زیرا در هر حوزه‌ای که الگوسازی و هنجارسازی اصولی و شایسته‌ای وجود نداشته باشد، افراط و تفریط به میان می‌آید و مشکلات و عواقب متعددی را به دنبال خواهد داشت (صادقی و کریمی، ۱۳۸۳: ۱۸). الگوهای آرمانی اسلامی- ایرانی عبارتند از:

۱-۲- ارزش نقش آفرینی زنان در حوزه خانواده

براساس اندیشه‌های اسلامی مهمترین وظایف زنان در خانواده تعریف می‌شود که این موارد شامل ارزش همسری و مادری کردن است زیرا زنان پرورش دهندگان آینده سازان جامعه هستند و باید هدف اصلی شان آنان تربیت نسل آینده باشد. از منظر اسلام نیز وظیفه مادری جایگاه والایی دارد،"

در روایات افزون بر ترغیب به حق‌شناسی و قدردانی فرزندان نسبت به مادران، جایگاه بلند مادری را توصیف می‌کنند که بهشت از زیرپای مادران می‌روید و می‌بالد. همچنین در آموزه‌های اسلام ارزشگذاری در مورد نقش و کارکردهای مادری چنان متعالی است که قابل جایگزینی نمی‌باشد؛ آیات ذیل تأییدی بر ارزش مقام مادری در خانواده است: (دل مادر موسی از هر چیز جز فکر فرزند تهی گشته بود) «و أصبح فؤاد أمّ موسی فارغا...» (قصص، ۱۰)، دوری او را تحمل نمی‌کرد تا خداوند او را به مادرش باز گرداند تا چشمش به او روشن شود (قصص، ۱۳-۱۱). مادر حضرت مریم چنان دخترش را شایسته تربیت می‌کند: «فتقبلها ربها بقبول حسن و أنبتها نباتا حسنا»، (آل عمران، ۳۷). که به نیکویی مورد پذیرش الهی قرار می‌گیرد و شایستگی مادری برای حضرت مسیح (ع) می‌شود (آل عمران، ۴۵-۴۲). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید «الجنة تحت أقدام الأمهات» (محمدی ری-شهری، ۱۳۶۳: ج ۱۰، ص ۷۱۲ نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۹۵).

۱-۳- به رسمیت شناختن نقش آفرینی زنان در اجتماع

در اندیشه اسلامی، در آیات و احادیث متعدد، فعالیت‌های اجتماعی زنان در جامعه به رسمیت شناخته شده است؛ به عنوان مثال در سوره توبه آیه ۷۱ آمده است: مومنین و مومنات در حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند.

تأملی بر آیات و روایات و سیره جاری مسلمانان نیز نشان می‌دهد که حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است. تأیید حق مالکیت زنان بر اموالشان «للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن» (نساء، ۳۲) (برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است). مستلزم جواز اشتغال زنان و حلال بودن درآمد حاصله از آن است (ر.ک. طباطبایی، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۳۷؛ طبرسی، ۱۳۶۵: ج ۳، ص ۶۴). از آیاتی چون: «و ابتغوا من فضل الله، (جمعه، ۱۰) (از فضل خدا جویا شوید)، «هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها»، (هود، ۶۱) (او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن آن بر گماشت). معلوم می‌شود این آیات به‌طور عام مردان و زنان را به سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می‌کند. افزون بر این در قرآن کریم از دختران حضرت شعیب (ع) پیامبر الهی، یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال داشته‌اند (قصص، ۲۳). بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین، در مشاغل گوناگون همچون تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی، آرایشگری، خدمات خانگی، اجاره املاک، تولید مواد خوشبوکننده، چوپانی، خیاطی و مانند آنها به عنوان شغل درآمدزا مشغول بوده‌اند و مورد نهی یا ردعی قرار

نگرفته‌اند (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۶، ص ۹؛ ج ۲۴، ص ۲۶۴؛ حر عاملی، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۱۷۴، صص ۹۵-۹۳ نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۸)، به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند: «روسی‌گری و آوازخوانی در مجالس گناه» (حرعاملی، بی‌تا: ج ۱۲، صص ۶۵-۶۲؛ ۸۵-۸۴، نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۹۵).

۲- فرهنگ موجود

۱-۱- وضعیت حضور زنان در اجتماع (نقاط قوت و ضعف)

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش که تمرکز آن بر وضعیت موجود حضور زنان در جامعه است، که شامل نقاط قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدات حضور زنان در جامعه است؛ این موارد شامل:

۲-۱-۱- افزایش پتانسیل‌ها و کارآمدی اجتماعی زنان در جامعه

آمارها و پژوهش‌های متعدد حاکی از آن است که امروزه پتانسیل‌های زنان در اجتماع افزایش یافته است؛ به عنوان مثال، افزایش تحصیلات دانشگاهی زنان و از طرف دیگر افزایش اشتغال زنان و حمایت‌های اقتصادی از خانواده، منجر به افزایش تحرک‌پذیری مکانی و حضور در فضاهای عمومی، تشکلهای و انجمنها شده است و این بستر، نوع نگرش زنان به جامعه را همسو با نوگرایی و مدرنیته تغییر داده است. در حال حاضر جامعه ما زنان موفق‌تری را در حوزه‌های مختلف علمی، دانشگاهی، کسب و کار، کارآفرینی و مناصب مدیریتی به خدمت می‌گیرد. وبر معتقد است مشخصه انتقال از جامعه پیش‌صنعتی به جامعه صنعتی عقلانی شدن فراگیر تمام حوزه‌های جامعه است که تغییر از "ارزشهای سنتی و عموماً مذهبی" به سمت ارزشهای عقلانی را در زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت (گیدنز، ۱۳۸۷) دکتر جواهری^۱ در این باره می‌گوید:

"زنان امروز دنبال برابری با مردان هستند. دنبال دستیابی به فرصت‌های مشترک هستند؛ به نظر من سامانه هویتی زنان در بخش قابل ملاحظه‌ای دگرگون شده یا در حال تحول است آیا این تحول خوبه؟ نقاط ضعفش چیه؟ زن امروز با زن ۳۰، ۴۰ سال گذشته بسیار متفاوت است، از نظر نگرشی که نسبت به خودش دارد. این خود آگاهی طی چندین سال گذشته به وجود آمده است و سبک زندگی زنان را متحول کرده است.

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

زنان دنبال ورزش هستند، دنبال آموزش هستند. نوع مصرف شان عوض شده است و با افزایش تحرک اجتماعی و ارتقای زنان در جامعه روبرو هستیم".

۲-۱-۲- اقتضانات نقشی چندگانه

یکی از نقاط ضعف حضور زنان در اجتماع، اقتضانات نقشی چندگانه و پیامدهای ناشی از آن است. با تغییر اوضاع اجتماعی و فرهنگی و افزایش تحصیلات در زنان، مطالبات جدیدی برای آن‌ها شکل می‌گیرد. برای مثال صرف پذیرش نقش‌های سنتی، زنان جوان و تحصیل کرده را ارضا نمی‌کند. آن‌ها مایل‌اند بین نقش‌های سنتی (همسری و مادری و خانه‌داری) و نقش‌های مدرن (مشارکت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی) تلفیق ایجاد کند. پذیرش نقش‌های سنتی از سویی و ظهور نقش‌ها و ارزش‌های اجتماعی مدرن از سوی دیگر زنان را در نقش‌های متضاد سرگردان کرده است. همین تضاد سبب بروز عوارض و تبعاتی برای زنان شده و سلامت جسم و روح آن‌ها را در معرض خطر قرار داده است (صادقی و مقدم، ۱۳۹۱: ۲۷۱). دکتر جواهری در این باره می‌گوید:

"در حال حاضر به هم ریختگی داریم و پیچیدگی سازگار کردن اقتضانات نقشی چندگانه است که زن به طور همزمان دارد هم مادر، هم همسر، هم محقق، هم مدرس و هم فرزند یک خانواده است؛ انواعی از مسئولیت‌ها که هر کدام انتظارات متفاوتی دارند، به هر حال هر کدام از این‌ها مهارت می‌خواهد، آماده شدن می‌خواهد."

گاتک^۱ مطرح می‌کند که وقتی مردان و زنان ساعت یکسانی را در شغل صرف می‌کنند، زنان بیشتر نسبت به مردان به تداخل شغل با مردان دچار می‌شوند. زنان هر چه ساعات بیشتری را در شغل خود صرف کنند، بیشتر احساس خواهند کرد که شغل او تحمیلی بر تعهدات خانوادگی است، در نتیجه زن‌ها احتمالاً تداخل شغل با خانواده را بیشتر احساس می‌کنند (گاتک، ۱۹۹۱ نقل از رستگار خالد، ۱۳۸۵: ۳۶).

۲-۱-۳- افزایش مصرف گرایی

مصرف گرایی در واقع اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی‌های مادی گفته می‌شود که از پیامدهای آن می‌توان به تبدیل ثروت به مصرف، به ارزش و غلبه آن بر دیگر ارزشها، نمایش ثروت، شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی، احساس محرومیت اشاره کرد.

¹ Gutek

یکی از نقاط ضعف حضور زنان در جامعه مصرف گرایی و مصرف تظاهری است که منجر به پیامدهای سوء اقتصادی خواهد شد. به عنوان مثال در حال حاضر، پوشش زنان دستخوش تغییرات بسیار بیش تری نسبت به مردان شده است. هر روز مدل ها و طرح هایی برای زنان به بازار عرضه می شود که منجر به جلب و جذب هر چه بیش تر زنان به مصرف گرایی شده است (نقل از آدمیان وهمکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۳). دکتر مختاریان پور در این باره می گوید:

"در حال حاضر با مصرف گرایی یا مصرف نمایشی یا تظاهری مواجه هستیم. این هم از چیزهایی است که نمی توانیم منکر شویم زیرا شاه کلید مصرف در خانواده در دست زن است. زن الگوی مصرف را در خانواده و جامعه تنظیم می کند."

۲-۱-۴- بی هنجاری در ارزشها و نگرشها و عملکرها (تقابل نقش زن سنتی و مدرن)

با تغییر اوضاع اجتماعی و فرهنگی و افزایش تحصیلات در زنان، مطالبات جدیدی برای آنها شکل می گیرد. برای مثال صرف پذیرش نقش های سنتی، زنان جوان و تحصیل کرده را ارضا نمی کند. آنها مایل هستند بین نقش های سنتی (همسری، مادری و خانه داری) و نقش های مدرن (مشارکت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی) تلفیق ایجاد کنند. پذیرش نقش های سنتی از سویی و ظهور نقش ها و ارزش های اجتماعی مدرن از سوی دیگر زنان را در نقش های متضاد سرگردان کرده است. همین تضاد سبب بروز عوارض و تبعاتی برای زنان شده و سلامت جسم و روح آنها را در معرض خطر قرار داده است (صادقی و مقدم، ۱۳۹۱: ۳۰۰). دکتر شایگان^۱ در این باره می گوید:

زنان ما در هجمه یک نوع فرهنگ غربی قرار گرفته اند که جهان استکبار با انواع و اقسام شیوه های بکر، جذاب و فریبنده بر فرهنگ ما اعمال می کند که باعث شده زنان در مورد تکالیف و مسئولیت ها و حقوق خود دچار تعارض و تزلزل شوند. همچنین پذیرش نقش های سنتی از سویی و ظهور نقش ها و ارزش های اجتماعی مدرن از سوی دیگر زنان را در نقش های متضاد سرگردان کرده است. این مسئله مهم ترین چالش در خصوص زنان است. (صادقی و مقدم، ۱۳۹۱: ۲۹۰).

دکتر مختاریان پور^۲ در این باره می گوید:

"الان یه جاهایی زنان باید حضور نداشته باشند ولی حضور دارند و یک جاهایی باید حضور داشته باشند و ندارند؛ این باید روشن شود؛ اصلاح شود. ما با نشان دادن زنی که راننده کامیون و اتوبوس هست، داریم الگو سازی می کنیم و نشان می دهیم که این هم

^۱ استاد دانشگاه علوم انتظامی امین

^۲ استادیار گروه مدیریت دانشگاه تهران

یکی از توانمندیها و پتانسیل‌های تواست که می‌توانی در آن نقش ایفا کنی؛ اما در جای دیگر چنین شغلی را برای زنان نمی‌دانیم. وقتی می‌گوییم سیاست فرهنگی مورد وفاق نداریم همین است. تکلیف ما با خیلی از چیزها مشخص نیست".

۲-۲- فرصت‌ها و تهدیدات حضور زنان در اجتماعی

۲-۲-۱- توجه رهبر انقلاب به حضور زنان در اجتماع

یکی از مهمترین فرصتهای حضور زنان در اجتماع، توجه رهبر انقلاب به حضور زنان در اجتماع است. آقای خامنه‌ای از بدو انقلاب، تاکنون در سخنرانی‌ها، جلسات و گردهمایی‌های مختلف از اهمیت شأن مقام زن، همسری و مادری بارها سخن گفته‌اند. تأملی بر سخنان ایشان، ارزش و جایگاه زن در اندیشه اسلامی را منعکس می‌سازد. به عنوان مثال ایشان در خصوص نقش آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی این چنین بیان کرده‌اند:

" زن در تمام عرصه‌های اجتماعی هم می‌تواند شرکت کند، درس بخواند، درس بدهد، کسب کند، شغل اداری بگیرد، کارگری کند و تمام فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی که مرد در جامعه انجام می‌دهد، زن هم با حجاب انجام دهد" (خطبه‌های نماز جمعه، ۶۵/۸/۹: نقل از بانکی پور فرد ۱۳۹۳: ۲۰۲).

مقام معظم رهبری در خصوص فعالیت‌های زنان در حوزه خانواده نیز این چنین بیان می‌کنند:

"خانه‌داری و اداره کردن همسر و فرزندان طبیعی‌ترین و فطری‌ترین کار برای زنان است اما این امر هر گونه توانایی زنان را در میدان‌های علمی و معنوی نفی نمی‌کند" (نقل از بانکی پور فرد، ۱۳۹۴: ۴۹)

۲-۲-۲- توجه به ارزش والای زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی

از دیگر فرصتهای حضور زنان در اجتماع این است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به کرامت و شخصیت انسان، اعم از زن و مرد توجه جدی شده است، تا آنجا که در بند ۶ اصل دوم این قانون، ایمان به کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند به عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شمرده شده است. این توجه و اهتمام در مورد زنان، دو چندان شده و این قانون در موارد متعددی بر پاسداری شخصیت انسانی زن و زمینه سازی برای رشد شخصیت او تأکید کرده است (نشریه حورا، ۱۳۸۳).

۲-۲-۳- توجه به نقش مادری و همسری زنان در نقشه مهندسی کشور

یکی مهم ترین مفاد سند چشم انداز مهندسی فرهنگی کشور در حوزه زنان، تبیین، تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن سازی خانواده است و در خصوص جلوگیری از کاهش نرخ باروری نیز در این سند آمده است. مصوبات موضوعات مطروحه زن و خانواده در سند مهندسی کشور شامل فرصت‌های حضور زنان در جامعه نیز هست که از نقش آفرینی آنان در جامعه حمایت می‌کند. این موارد شامل:

* ترویج و نهادینه سازی عفاف، پوشش و حجاب اسلامی در تمامی مناسبات و ارتباطات اجتماعی

* تشکیل، تحکیم، تعالی و ایمن سازی خانواده

* بازطراحی و تبیین منشور زن مسلمان و نهادینه سازی آن در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی در عرصه‌های مختلف جامعه

* جلوگیری از کاهش نرخ باروری کل و ارتقای آن متناسب با آموزه های اسلامی، اقتضائات راهبردی کشور، مطالعات جمعیت شناختی، آمایش و پایش مستمر جمعیتی

* طراحی و نهادینه سازی آداب و سبک زندگی اسلامی-ایرانی در زمینه های فردی، خانوادگی و اجتماعی مبتنی بر تقوای الهی و با الهام از سیره معصومین (علیهم السلام)

لذا زنان به عنوان گروه هدف در این راهبردهای کلان می‌توانند با جهت دهی فرهنگی خانواده و جامعه و با خلاقیت ذاتی خود، نقش بسزایی در مدیریت و اجرایی شدن این سند در حوزه بانوان ایفا کنند (نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۲: ۷۵-۵۰).

۲-۲-۴- بحران هویت تهدیدی بر حضور موفق زنان در اجتماع:

در جوامع مدرن روز به روز از نقش خانواده کاسته شده است و افراد برای رفع نیازهای جسمی و روحی، به جایگزین‌هایی که در جامعه مدرن تعریف شده است، روی می‌آورند که نتیجه این روند، تضعیف نهاد خانواده، بالا رفتن آمار طلاق، بحران‌های عاطفی زنان، برآورده شدن نیازهای جنسی خارج از بستر خانواده و رواج فساد در جامعه است. زندگی مدرن، با تاکید بر نظام سرمایه داری به همه تکنولوژیها نگاه لذت محور دارد (طالبی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۶). دکتر جواهری در این باره می‌گوید:

"بحث بحران هویت در زنان بواسطه تغییر معنای زن بودن، معنای مادر بودن، معنای شهروند بودن است. الان زنان میل شدیدی به ارتقای شرایط خودشان دارند، با این اندیشه، زنان انتظارات، امیال، آرزوهای جدیدی دارند، اون حدی که بعداً برآورده نمی شود؛ منشا تنش، سرخوردگی و نارضایتی چه در سطح فردی چه در سطح اجتماعی می شود. ما چون در حال گذار از هویت سنتی به هویت جدید و متفاوت هستیم، یک نوع بهم ریختگی و آشفتگی در نقش های زنان مشاهده می کنیم. تضادهایی که در رفتارها و نگرش های زنان دیده می شود، که گاهی از خودمان سؤال می کنیم، اگر زن سنتی هستی، پس این رفتار ت چیه".

۲-۲-۵- حاکمیت نگرش مردسالارانه در جامعه:

یکی دیگر از تهدیدات حضور زنان در جامعه حاکمیت نگرش مردسالارانه می باشد به این معنا که زنان نه تنها در عرصه عمومی به وسیله مردان و ساختار مردسالاری به حاشیه رانده می شوند و با آنان به گونه ای برخورد می شود که موجوداتی نامرئی هستند؛ بلکه در عرصه خصوصی نیز با غرق شدن در نقش های مادری و مراقبتی و مرجح دانستن خواسته های دیگران بر خود، خود را فراموش کرده و خواسته های خود را نادیده می گیرند و با نقش آفرینی نامرئی خود ظاهر می شوند (صادقی و مقدم، ۱۳۹۱). دکتر جواهری در این باره می گوید:

" غلبه نگرش های مردسالارانه چه در فضای خانواده، چه در محیط کار که از آن با سقف شیشه ای نام می برند، وجود دارد. هم چنان غلبه نگرش های مردسالارانه چه در فضای خانه و چه در محیط کار اگرچه کم رنگ تر شده و کاهش یافته، ولی همچنان وجود دارد. بحث خشونت خانگی و انواع تبعیضات و محرومیت ها در مورد زنان هم، چنین است".

۲-۲-۶- انحرافات و جرائم زنان

امروزه کشور ما درگیر آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی از جمله معضل بد حجابی، زنان خیابانی، فروپاشی خانواده ها و بسیاری مفاسد اجتماعی است و ضروری ترین رویکرد در همه برنامه ریزی ها، سیاست گذاری ها، قانون گذاری ها و طرح های اجرایی مرتبط با زنان، توجه به صیانت و پاسداری از

هویت انسانی زنان مسلمان کشورمان و تلاش در جهت ارتقای جایگاه و شخصیت آنان در خانواده و اجتماع است. به صراحت باید گفت تا زمانی که به این رویکرد توجه نشود (شفیع، ۱۳۹۲)
دکتر مختاریان پور در این باره می‌گوید:

" بحث ازدواج‌های غیر متعارف، ازدواج سفید، روابط جنسی غیر متعارف، نرخ بالای طلاق، خیانت در روابط زناشویی از جانب مرد نسبت به زن، از جانب زن نسبت به مرد، از تهدیداتی است که حضور زنان در اجتماع ایجاد نموده است. متأسفانه طی چند سال اخیر میزان فحشا در بین زنان متاهل بیشتر از زنان مجرد است. بحث بعدی، بزهکاری زنان و انحرافات اجتماعی شامل اعتیاد و سرقت‌های جزئی در جاتش بالا رفته، وقتی زن در آشپزخانه بود چه انحرافی می‌توانست انجام دهد؛ ولی وقتی در جامعه آمده دسترسی به پول دارد، قدرت دارد، رانندگی می‌کند، منابعی در اختیارش هست. به هر حال امکان و احتمال خطا در مورد زنان افزایش پیدا کرده است."

۲-۲-۷- ساختار مردسالارانه اشتغال

امروزه علی‌رغم اینکه ساختار تحصیل در بسیاری از رشته‌ها زنانه است، ساختار شغلی کاملاً مردانه است و دسترسی زنان به مشاغل سطح بالا یا کاملاً مسدود و یا بسیار محدود است. زنان عمدتاً در مشاغل سطح پایین، کم درآمد و یا نیمه وقت قرار داده می‌شوند. امکانات زیرساختی برای حمایت از کار کردن آنها یا اصلاً وجود ندارد و یا بسیار محدود است. کار در سازمان‌ها کاری یکنواخت، خشک و غیر قابل انعطاف می‌باشد به صورتی که با سایر وظایف از جمله بچه داری اصطکاک پیدا می‌کند و زنان بابت اشتغال خارج از منزل باید فشارهای مضاعفی را تحمل کنند؛ برای مثال زنان شاغل علاوه بر کار بیرون، ۳۵ ساعت به طور متوسط به امور خانه (غیر از بچه داری) می‌پردازند در حالیکه این رقم برای مردان شاغل بسیار اندک است. (صادقی، ۱۳۸۳)

دکتر جواهری در این باره می‌گوید:

" نیاز به استقلال مالی برای زنان خیلی مهم شده است و به نظر می‌رسد میزان بیکاری قشر تحصیل کرده از قشر تحصیل نکرده بیشتر است و میزان بیکاری زنان نسبت به مردان نیز بیشتر است؛ بنابراین در مجموع می‌توانیم بگوییم میزان بیکاری زنان تحصیل کرده نسبت به سایر اقشار در جامعه بیشتر است؛ اینها در مجموع مخاطرات یا

عوامل تهدید و محدود کننده و خطر آفرین هست که جامعه زنان به ویژه زنانی که پا در جامعه گذاشته اند با آن مواجه هستند".

۳- راهکارهای دستیابی به الگوی مطلوب حضور زنان در اجتماع

به منظور ارائه الگوی مطلوب حضور زنان در اجتماع نیازمند راهکارهایی هستیم که این موارد شامل:

۳-۱- توجه به تغییرات موجود در جامعه

امروزه رویکردی که باید نسبت به زنان وجود داشته باشد باید رویکردی اسلامی و سازگار با وضعیت جامعه صنعتی باشد، به این معنی که این رویکرد باید آرمان‌های اسلامی را در برداشته باشد با این منطق که بتواند با نیازهای یک جامعه در حال توسعه سازگار باشد. معنای این رویکرد این است که یک رویکرد سنتی صرف نیست، همچنین در این رویکرد الگو برداری از وضعیت زنان در جامعه صنعتی هم نیست و آن رویکردی از اسلام است که بتواند تلفیقی از اینها را در بر داشته باشد و آن تلفیق، باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد: عدالت محور باشد، کرامت انسانی زن در جامعه را لحاظ کند، زن را به عنوان یک انسان توانمند، مسئول، مشارکت جو و اثر گذار در همه عرصه‌های زندگی، چه در حال حاضر و چه در آینده در نظر بگیرد. دکتر شایگان در این باره می‌گوید:

" پای بندی‌های دینی و التزام اخلاقی در بین پاره‌ای از گروه‌های زنان متحول شده است، آن هم تحت شرایطی که در بالا به آن اشاره شد. نکته دیگری که در مورد سیاست گذاری و مهندسی فرهنگی زنان خوب است در نظر داشته باشیم این است که چه عواملی باعث شده است که زنان با آسیب‌ها و مشکلاتی در جامعه مواجه باشند یا اینکه خواسته یا ناخواسته مولد آسیب‌ها و جرایم و انحرافات و بزهکاری‌ها در جامعه شوند. ما باید بشناسیم تا بتوانیم سیاست گذاری کنیم. البته بخشی از این مسائل ناشی از نابسامانی و بی سامانی گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و توسعه یافته است."

۳-۲- سیاستگذاری مورد وفاق

یکی دیگر از پیش نیازهای فعالیت در حوزه زنان، لزوم اجماع و سیاستگذاری مورد وفاق در میان مدیران، سازمانها و ارگانهای مختلف در فرایند تصویب یک طرح تا مرحله نهایی اجرای آن است؛ زیرا تضاد آرا و نگرش‌های متفاوت و تغییر مداوم سیاست‌ها موجب می‌شود تا برنامه‌های مورد نظر

به نتیجه مطلوب منتهی نشود و در عمل با شکست مواجه شود و همچنان سیاستها در سطح کلان باقی بماند. در این باره دکتر مختاریان پور معتقد است:

" سیاست فرهنگی که مورد وفاق است و قرار است راجع به آن کار شود قرار نیست به دست تغییرات دولتها سپرده شود. دولتها باید مجری باشند. در حال حاضر با تغییر دولتها همه چیز تغییر می‌کند. مسئله این است که ما نیامدیم سیاست فرهنگی درستی را تعریف کنیم و مهمتر اینکه توافق رسمی داشته باشیم که قرار است به چه چیزی دست پیدا کنیم؛ قرار است چی بشویم. چه شکلی شویم، نیامدیم بخوبی ترسیم کنیم".

دکتر جواهری نیز بیان می‌کند:

" ما سیاست فرهنگی مورد وفاق نداریم و نمی‌دانیم عرصه نقش آفرینی زنان کجاست".

۳-۳- تعامل نهادهای مختلف

یکی از چالش‌های جدی در عقیم ماندن و به ثمر نرسیدن فعالیت‌ها و برنامه‌هایی که با هدف سیاستگذاری و یا کاهش آسیب‌ها انجام می‌شود، موازی کاری و عدم همکاری ارگان‌های مختلف در کشور می‌باشد. حال آنکه با تقسیم وظایف و همکاری، می‌توان اقدامات موثر و فعالانه تری برای آسیب دیدگان انجام داد. دکتر مختاریان پور در این باره می‌گوید:

" مهندسی فرهنگی دنبال این است که بیاد و یک کاری کند که نهادهای مختلفی که در کنار یکدیگر کار می‌کنند، همدیگر را خنثی نکنند، از لحاظ ساختاری هم سوی هم باشند. این مستلزم یک اصلاح ساختاری است، در واقع نیازمند باز طراحی و اصلاح ارتقای مناسبات فرهنگی نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور براساس فرهنگ مهندسی شده کشور هستیم؛ در واقع فرهنگ مطلوب را تعریف کنیم و نظام مربوطه را باز طراحی کنیم".

۳-۴- عدم خنثی سازی فعالیتها

یکی دیگر از نکات مهم برای رسیدن به اهداف مهندسی فرهنگی عدم خنثی سازی فعالیت‌ها و سیاستهای کلان در سطح اجرایی می‌باشد. به عنوان مثال شفیعی (۱۳۹۲) بیان می‌کند که رسانه‌های دیداری و شنیداری نظام جمهوری اسلامی تاکنون از ارائه یک چهره موفق از زن مسلمان

ایرانی عاجز بوده اند و در سریال‌ها و فیلم‌هایی که ارائه می‌دهند تنها به ارائه چهره‌ای کلیشه‌ای و منفعل از زنان و دختران بزرگ کرده‌ای که درگیر عشق‌های مثلی و گاه زنجیره‌ای می‌شوند، بسنده کرده اند. این در حالی است که در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم که در بسیاری از سریال‌های خارجی از زنان چهره‌هایی فعال، مثبت و با انگیزه به تصویر کشیده می‌شود که از جمله می‌توان به سریال‌هایی چون «بازگشت به خانه»، «پزشک دهکده»، «جواهری در قصر» و حتی «پرستاران» اشاره کرد.

در واقع اگر هدف ما در مهندسی فرهنگی تربیت و نقش‌آفرینی موثر و غیرآسیب‌زا در جامعه است، این مهم در فرایند جامعه‌پذیری در مدرسه، دانشگاه، رسانه‌ها باید انعکاس یابد. دکتر مختاریان پور در این باره می‌گوید:

" اگر ما می‌خواهیم خشونت در جامعه کم شود باید صدا و سیمای را به این سمت ترغیب کنیم که فیلم‌های خشن پخش نکنند، ولی در کنارش سینمای خانگی این کار را خنثی می‌کند. یک کاری انجام می‌شود اما برنامه‌ای دیگر آن را خنثی می‌کند. مثلا در مورد کاهش جرم صحبت می‌کنیم، وزارت مسکن می‌آید نوعی از معماری شهری را تشویق می‌کند که جرم خیز و فساد خیز است. این‌ها همدیگر را خنثی می‌کند. مهندسی فرهنگی دنبال این است که بیاد و یک کاری کند که نهادهای مختلف در کنار یکدیگر کار می‌کنند."

۳-۵- نظارت دولت

یکی دیگر از پیش‌نیازهای مهندسی فرهنگی، وجود نظارت بر دستورالعمل‌ها و برنامه‌هایی است که در حوزه مهندسی فرهنگی تنظیم شده است. البته باید به این نکته توجه داشت که دخالت مستقیم در امر سیاستگذاری سازوکار اجتماعی و خودتنظیمی جامعه را برهم می‌زند، در این باره دکتر مختاریان پور می‌گوید:

" به نظر من سیاست‌های دولت در عرصه سیاستگذاری زنان، نباید به صورت دخالت مستقیم و کامل باشد، و نه رهاسازی کامل بلکه باید به طور مداوم، نظارت و کنترل داشته باشد ولی قواعد شخصی، حریم شخصی، آزادی شخصی نیز به رسمیت شناخته شود."

نتیجه گیری

پس از انقلاب صنعتی و وقوع نوگرایی و انقلاب مدرنیته در جهان، پدیده‌های اجتماعی دستخوش دگرگونی اساسی گردید؛ در این میان حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی نیز بواسطه تغییر نقش‌های سنتی و جدا شدن محیط کار از زندگی، برجسته شد. تجربه زیستن زنان در فضاهایی عمومی، تحولات اساسی را برای جوامع ایجاد نمود. در همان راستا، در کشور ما توجه به حوزه زنان و خانواده در نقشه مهندسی فرهنگی، مورد توجه و تأکید قرار گرفت.

در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای سخنرانی‌های میزگردی با عنوان مهندسی فرهنگی حضور زنان در اجتماع، معنای مهندسی فرهنگی مورد واکاوری قرار گرفت و براساس سه سطح فرهنگ آرمانی، فرهنگ موجود و فرهنگ هدف بخش‌های مختلف مقاله مورد بحث و تحلیل قرار گرفت.

در بحث مهندسی فرهنگی حضور زنان در اجتماع، ابتدا با مراجعه به آیات و روایات اسلامی، حوزه نقش آفرینی زن در عرصه‌های خصوصی (خانواده) و در عرصه‌های عمومی (فعالیت‌های اجتماعی) مورد تحلیل قرار گرفت. مروری بر اندیشه‌های اسلامی نشان می‌دهد که در کنار ارزش‌های والای همسری و مادری برای زنان، کسب درآمد و استقلال اقتصادی به رسمیت شناخته شده است (آذربایجانی، ۱۳۸۸). بنابراین اگرچه براساس دیدگاه کارکردگرایی و نظریه پارسونز زنان باید تنها ایفاگر نقش عاطفی در خانه باشند اما اندیشه اسلامی با این دیدگاه کارکردگرایانه که اعطای فرصتهای برابر برای هر دو جنس با انسجام مثبت خانواده ناسازگار است، توافق ندارد.

در حوزه وضعیت موجود نیز با تأکید بر نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدات حضور زنان در جامعه به ترسیم فضای نگرشی و رفتاری و عملکردی حاکم بر جامعه پرداختیم. اینکه در حال حاضر در حوزه علمی، تخصصی و کارآفرینی زنان با موفقیت‌ها و نقاط قوتی رو برو هستیم؛ اما نقاط ضعفی هم‌چون آسیب‌های وارده به زنان در جامعه و یا حتی با آسیب‌زایی آنان نیز مواجه هستیم. امروزه بحران هویت و اقصائات نقشی چندگانه و آزارهای جنسی در محیط کار عرصه‌های فعالیت‌های زنان را با تگنا و دشواری و فشارهای مضاعف همراه ساخته است (لبیبی، ۱۳۹۳؛ صادقی و مقدم، ۹۱ و لاریجانی، ۱۳۸۹) و از طرف دیگر جرائمی همچون فحشا، سرقت و فروش مواد مخدر و ... از سوی زنان نیز در حال وقوع است (جریانی، ۱۳۸۹). نکته مهم این است که تأکید مقام معظم رهبری، آیت اله خامنه‌ای بر نقش و اهمیت زن در خانواده و جامعه از فرصت‌هایی است که تأییدکننده حضور فعال زنان در جامعه است.

اما در کنار نقاط قوت و فرصت‌ها، ما با تهدیداتی نیز مواجه هستیم؛ به عنوان مثال رسانه‌ها و ارتباطات مختلفی که زنان در جامعه دارند باعث می‌شود که بستری برای آسیب‌هایی به فرهنگ اسلامی ایجاد شود و فرهنگ ما دائما در گیر تهاجمات فرهنگی گردد. اگرچه فمینیستها به برابری کامل به ایفای نقش زنان و مردان در جامعه باور دارند و این رویکرد بر اذهان جامعه ما تسری پیدا کرده است، اما به عقیده اندیشمندان مسلمانی همچون مطهری ما باید به تناسب نقشی زنان و مردان در جامعه توجه کنیم چرا که برابری در همه زمینه‌ها بدون توجه به طبیعت فیزیولوژیک زنان و مردان در واقعی نوعی ستم بر آنها است (نقل از لاریجانی، ۱۳۸۹).

از طرف دیگر از تهدیدات حضور زنان در جامعه می‌توان به مواردی همچون رشد نگرش‌های غلط فمینیستی، بحران هویت، تهاجم فرهنگی، تهدید نقش مادری و همسری زنان، افزایش تجرد قطعی در زنان، مردواره کردن زنان، سوء استفاده‌های جنسی، استفاده ابزاری و بهره‌کشی از زنان، افزایش انحرافات و جرائم زنان و مسئله افزایش بیکاری زنان اشاره نمود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان در محیط کار با مسائل مختلفی درگیر هستند که بعضی از این مسائل، به شدت آزار دهنده و بازدارنده فعالیت‌های اجتماعی افراد است. از جمله این مسائل می‌توان به آزار جنسی زنان در محیط کار اشاره کرد. نابرابری جنسیتی در محیط کار و غلبه کلیشه‌های جنسیتی بر روابط میان زنان و مردان، همواره زنان را در موضع فروتر قرار می‌دهد و آن‌ها را نسبت به آزارهای جنسی آسیب‌پذیر می‌کند (صادقی و لاریجانی، ۱۳۸۹).

بنابراین، در طراحی الگوی مطلوب حضور زنان در جامعه نباید با نگاه ایده‌آلیستی و فارغ از دغدغه وضعیت فرهنگ موجود به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بپردازیم. زیرا براساس دیدگاه تعامل‌گرایی انسانها و جامعه از یکدیگر اثرپذیری متقابل دارد و تجربه زیسته زنان در فرایند جهانی شدن، نوگرایی، عرضه فرهنگ غربی در رسانه‌ها و حتی آموزشهای رسمی و غیر رسمی ملی بر تغییرات نگرشی و رفتاری آن اثرگذار است و هویت آنان را بازسازی و شکل می‌بخشد. در واقع مسئله تجدد گرایی و تاثیر آن بر سطوح سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده ایرانی ناشی از یک رابطه تعاملی دیالکتیکی است که در این ارتباط بعضا انسانها یا مختارند و یا تا حدی متأثر از شرایط جامعه می‌شوند و نه جبر و به گفته اینگلههارت "فرایند مدرنیته و تجدد گرایی، جهان سنتی را که در آن زندگی معنایی روشن دارد متلاشی می‌کند (ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

بنابراین در نهایت برای ایجاد فرهنگ مطلوب باید با توجه به تغییرات موجود در جامعه، سیاستگذاری مورد وفاق نهادها، سازمانها و تعامل نهادهای مختلف، عدم خنثی‌سازی فعالیتهای

ارگانها و نظارت دولت تلاش کنیم تا نقاط ضعف و تهدیدات حضور زنان در جامعه به نقاط قوت و فرصت تبدیل شود تا الگوی زنان موفق مسلمان در جامعه را معرفی و اشاعه دهیم. در ادامه به راهکارهای مرتبط می‌پردازیم:

- اتخاذ یک رویکرد واقع بینانه و اسلام گرایانه از حضور زنان در جامعه
- اتخاذ رویکرد زیان کاهی نه ریشه کنی حضور زنان در جامعه
- حمایت از زنان برای دسترسی به عدالت و سایر خدمات برای گذر از شرایط گذشته و شروع زندگی جدید
- توانمند سازی چند بعدی زنان جهت ایفای نقش موثر در جامعه و کاهش آسیب سازی احتمالی
- تامین امنیت زنان در فضاهاى شهری
- تقویت تشکل های مدنی و جلب مشارکت زنان در جامعه
- تربیت کارشناسان متخصص در امور زنان دارای نگرش های جنسیتی
- تقویت ظرفیت های پژوهش و مطالعات راهبردی در مورد زنان

منابع

- قرآن کریم
- ادیبی، حسین، انصاری، عبدالمعبود (۱۳۵۸) نظریه‌های جامعه شناسی، تهران، انتشارات جامعه
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۸) " عدالت جنسیتی و اشتغال زنان " فصل نامه مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۱۶-۸۱
- البرزی. ش و خیر، م (۱۳۸۷) راهکارهای اجرایی حضور زنان در برنامه ریزیهای کلان کشور از دیدگاه زنان توانمند دانشگاهی، زن در توسعه و سیاست، بهار ۸۷، شماره ۲۰ صص ۲۷-۷
- آدمیان، مرضیه و همکاران (۱۳۹۱) تحلیل جامعه شناختی سبک پوشش زنان، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۸۶-۱۶۱
- ارمکی، تقی و ملکی امیر (۱۳۸۶) رابطه ارزشهای سنتی و مدرن در سطح خرد و کلان، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، دوره ۳۰، شماره ۱۰، اردیبهشت ۸۶، صص ۱۱۰-۱۳۵
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی (ترجمه مریم وتر). تهران، انتشارات کویر

- بانکی پورفرد، امیر حسین (۱۳۹۳) نقش و رسالت زن جلد ۳ و ۴، گزیده بیانات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
- بنی فاطمه، حسین؛ نازیلا، مهبد (۱۳۸۹) " جایگاه اشتغال زنان از منظر دانشجویان " ، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۸، بهار ۸۹، صص ۳۳-۴۵
- تقوی، نعمت اله و سلطانی، مینا (۱۳۸۸) بررسی عوامل مرتبط با گرایش زنان دانشجویان به اشتغال خارج از خانه، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۴۹
- جریانی، حمید (۱۳۸۹) بررسی آماری جرایم زنان (با تأکید بر محکومیت حبس) نشریه حقوقی دادگستری، دوره ۷۴، شماره ۷۲، صص ۹۱-۱۱۷
- رستگار خلد، امیر (۱۳۸۵) " اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی، فصلنامه دانشور رفتار، دوره ۱۳، شماره ۱۹، صص ۳۳-۵۲
- سخترانی مقام معظم رهبری (۱۳۸۳)
- شفیعی، محمد (۱۳۹۲) ضرورت‌های سند مهندسی فرهنگی در خصوص زنان، نشریه حورا، شماره ۶، صص ۱-۱۰
- صادقی فسایی، سهیلا. کریمی، شیوا (۱۳۸۳) "بررسی جامعه‌شناختی کلیشه‌های جنسیتی در سریال‌های تلویزیون."، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران
- صادقی، سهیلا و لاریجانی، مهسا (۱۳۸۹) مطالعه جامعه‌شناختی آزارجنسی زنان در محیط کار، فصلنامه زنان در توسعه و سیاست
- صادقی، سهیلا، مقدم، سمیه (۱۳۹۱) مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زندگی، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۲۶۹-۳۰۳
- طالبی، سارا و همکاران (۱۳۹۰) تقابل فرم و محتوا در نقش زنان در تصویر خانواده، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۵۷-۸۶
- خزعلی، کبری (۱۳۹۲) نگاهی متعادل در خصوص زنان از ضرورت‌های سند مهندسی فرهنگی، نشریه حورا، شماره ۶
- عزیزی، فیروزه (۱۳۸۹) نگرشی بر مشارکت زنان در عرصه علم و تکنولوژی درجهان، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه فرهنگی علوم انسانی و مطالعات، سال اول، صص ۱۰۷-۱۳۲
- گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۹۰) به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران، نشر نی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی، تهران، نشر آگه

- لیبی، محمد مهدی (۱۳۹۳) خانواده در قرن بیست و یکم (از نگاه جامعه شناسان ایرانی و غربی)، تهران، نشر علمی
- لرستانی، فریبرز (۱۳۸۲) جنبش اجتماعی زنان ایران، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۶، صص ۲۳-۴۲
- لاریجانی (۱۳۸۹) مطالعه جامعه شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۰) مبانی و چگونگی ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور، تهران، انتشارات آوای نور

